

پوهنتون مجاہد
پوهنځی اقتصاد

به سلسله سيمينار هلی
پوهنځی اقتصاد
پوهنتون کابل

عوايد و مصارف

نظام اقتصادي اسلام

دولت در

گردآورنده:

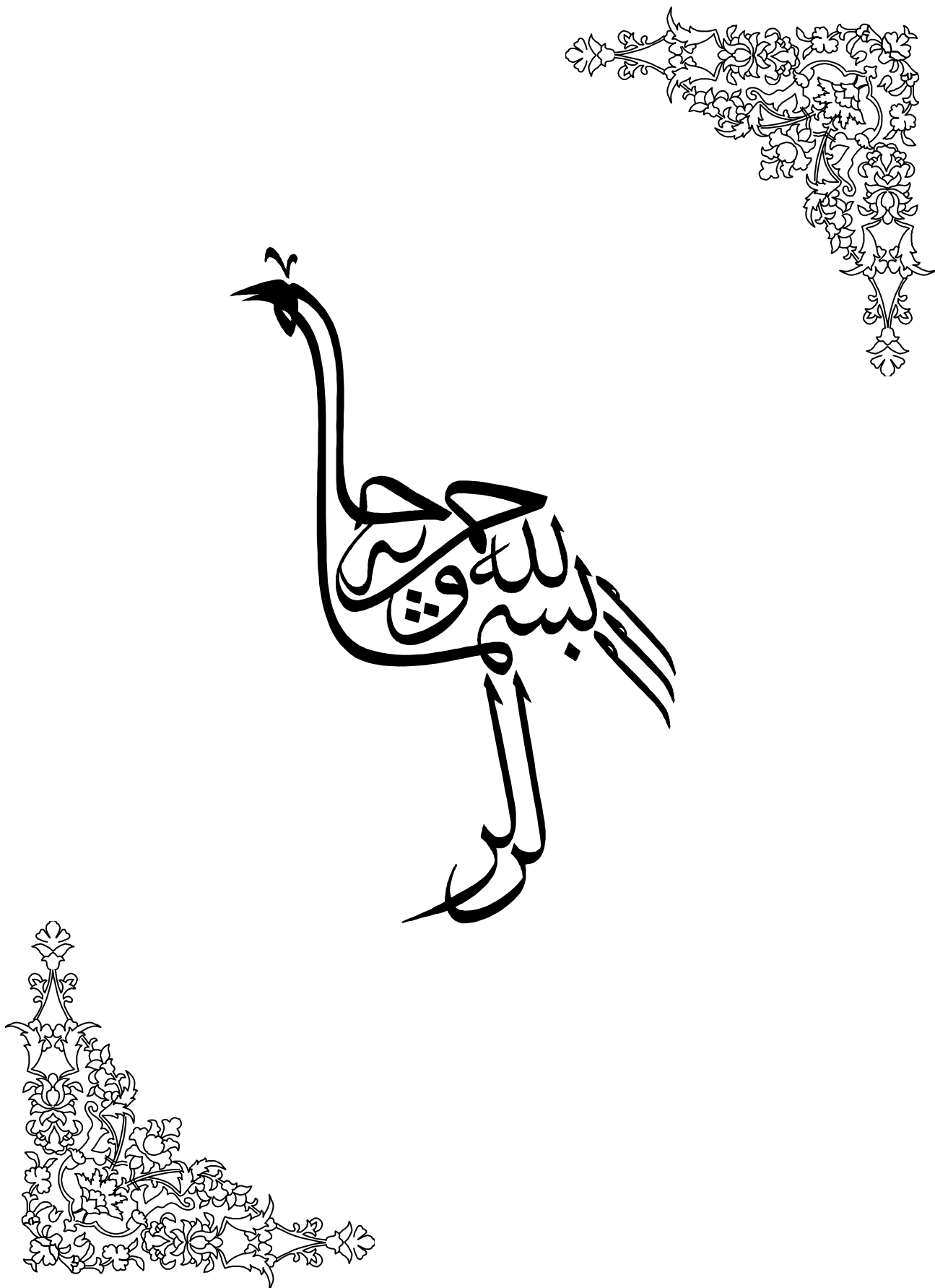
رشته:

تاريخ:

سير احمد نیاز

امور مالی و بانکی

۱۳۹۰ هـ ش / ۲۰۱۱ میلادی



فهرست مطالب

مقدمه - 4 -

اهمیت موضوع - 5 -

فصل اول 7

1- عواید - 7 -

- 1-1 مفهوم مالیات 7
- 2-1 تقسیم بندی مالیات 8
- 3-1 انواع مالیات 10

2- مصارف - 19 -

- 1-1 ضرورت و هدف از مصرف نمودن 20
- 2-2 تقسیم بندی مصارف در نظام اقتصاد اسلامی 21
- 3-2 مقایسه مصارف در نظام اقتصاد اسلامی و سایر نظامها 22
- 4-2 راه های مصارفاتی دولتهای اسلامی 24

فصل دوم 26

چگونگی تطبیق سیستم مالیاتی اقتصاد اسلامی در عصر امروز - 26 -

- 1- ضرورت تطبیق 26
- 2- امکانات و ضروریات فراروی ما 27

نتیجه گیری و پیشنهادات - 30 -

منابع - 31 -

فهرست جداول

جدول 1- زکات گوسفند و بز 10

جدول 2- زکات شتر 10

جدول 3- زکات گاو و گاومیش 11

جدول 4- جاده های مصارفاتی هر یک از انواع عواید 25

جدول 5- تأمینات عوایدی برای هر سکتور 25

مقدمه

دولت‌های اسلامی برای برطرف ساختن مشکلات و حل معضلات به یک سلسله مصارف نیازمند می‌باشد. که برای جبران این مصارف در نظام اقتصاد اسلامی راه‌های وارداتی مختلف پیش‌بینی گردیده است. اگر به جنبه تاریخی نظام اقتصاد اسلامی نظری بیندازیم، خواهیم دید که دولت اسلامی در عصر نبوت تکالیف چندانی نداشت؛ کارمندان دایمی دولتی موجود نبود؛ بلکه در زمان ضرورت، دولت به جلب و جذب یکتعداد کارمندان دست زده و در برابر کار ایشان مزد تادیه مینمود. مثلاً در زمان جمع‌آوری زکات، با پایان یافتن کار جمع‌آوری مزد و معاش کارمندان نیز قطع می‌گردید. با رسیدن مبالغ زکات، پیامبر(ص) خود به شکل ابتدائی آن، مبالغ را بر مستحقین توزیع مینمودند. چرا که تا آنزمان تعداد مسلمانان بسیار زیاد نشده بودند، و ضرورت نبود تا یک شکل پیشرفته و منظم مالیاتی پیش گرفته شود. — طوریکه در مراحل بعدی صورت گرفت —. (2:39)

اما؛ با به خلافت رسیدن دومین خلیفه مسلمین حضرت عمر فاروق(رض)، ساحه خلافت اسلامی وسعت یافته و شهرهای بزرگ چون روم و فارس فتح گردید، لهذا واردات دولت از ناحیه غنیمت‌های جنگی، فیه و جزیه فراوان شد. ازدیاد واردات و مصارف دولت باعث شد تا سیستم منظم حساب و احصائیه‌گیری‌های این اقلام بمیان آید. کارمندان دایمی دولتی تعیین گردیده، لشکر مسلمین منظم شده، والیان و دیگر حکومتداران به شکل مدرنیزه آنزمان تعیین می‌گردید، و برای آنان معاش معین که مطابق قانون آنزمان تعیین شده بود پرداخت می‌گردید. و همچنان همه پرداختها و عواید دولت در حسابات درج گردیده و بقیه مبالغ هم در بیت المال انتقال داده میشد تا در زمان احتیاج از آن استفاده بعمل آید. (2:40)

واردات بیت المال عبارت‌اند از زکات، خراج، جزیه، عشور، فیه، یک پنجم غنائم... هر یک از منابع عایداتی فوق‌الذکر راه‌های خاص مصارفاتی خود را نیز دارا می‌باشد که موضوع اصلی این سیمینار را تشکیل داده است.

اهمیت موضوع

ساله‌است که دولتها برای پیشبرد وظایف و مسئولیتهای خویش از مردم، پول و سایر منابع مادی را جمع آوری نموده و برای دریافت این مبالغ دلایل مقنع و جالب توجه را ارائه میدارند. دولت برای مردمان تحت اداره خود یک سلسله خدمات را ارائه میکند که هیچ کسی دیگری حاضر نیست تا در آن عرصه ها سرمایه‌گذاری کند. در بخشهای که میلیاردها واحد پولی ضرورت است، تا هرچه بهتر و خوبتر خدمات عالیتیری را برای مردمان انجام دهد. این دولت است که هزاران مکتب، صدها مراکز صحتی، ده ها دانشگاه ها و به همین ترتیب صدها نوع خدمات را رایگان، برای زندگی هر چه بهتر مردم، دریافت شغل، ترقی و بالاخره رفاه مردم به راه می اندازد. اما موضوع قابل توجه این است که این احسان دولت نیست که بالای شانه های مردم بگذارد، و هم آنچنان نیست که دولتها دارای خزائن بی پایان بوده و از همدردی زیاد برای مردم خدمت میکند، بلکه اینها وظایف دولت است، زیرا شکل گیری و ایجاد دولتها به همین منظور بوده است؛ پس باید که این وظایف محوله خویش را انجام دهد.

دولتها برای پیشبرد همه وظایف فوق الذکر به وسائل مالی و پولی نیازمند هستند، چرا که پیشبرد این وظایف بدون موجودیت منابع پولی ناممکن میباشد. همین سبب است که دولتها ده ها نوع مالیات بالای هزاران جنس شخصی و بالای عواید اشخاص را وضع نموده اند. اما با همه فهم در مورد ضرورت تادیه مالیات به دولت ها که مردمان ساکن در یک کشور دارا میباشند، باز هم همیشه میکوشند تا از پرداخت آن سر باز زده و معاملات شان را دور از چشم دولت انجام دهند. معاملات زیرزمینی یا سیاه و قاچاق نمودن اجناس در کشورها همه دلایل گریز مردم از پرداخت مالیات میباشد.

با آنکه امروز سطح دانش مردم، سطح تخنیک و تکنالوژی... نظر به قرنهای گذشته به اندازه ده ها چند بلندتر شده است، اما با آنهم بسیاری کشورهای هستند که از عدم پرداخت مالیات اتباع شان رنج میبرند. و نمیتوانند تا همه عواید را که پیش بینی نموده اند جمع آوری نمایند، گاهی دولت از عدم پرداخت مالیات توسط اتباعش به شکوه آمده و گاهی هم مردم از بار سنگین مالیات. چرا که آن مالیات را که دولت تعیین میکند گاهی کمتر از احتیاج وظایف دولت و گاهی

هم بیشتر از توان مردم شده و بار سنگین مالیات بالای شانه های مردم، کمرهای شانرا خَم میکند.

اما قرنهای پیش که نه مکتبی به شکل امروزی وجود داشت، نه فهم و ذهنیتهای مردم همچون امروز انکشاف کرده بود و نه هم تکنیک و تکنالوژی به مصابه امروز موجود بود، نظام اقتصادی اسلام با میتودهای خاص خود توانسته بود؛ تا مشکلات که امروز ظهور نموده و مردم از آن رنج میبرد را حل نماید. من سعی خواهم کرد تا آن میتودها و روشهای را که مسلمین و حکومتداران زمان حکومتداری اسلامی برای جمع آوری منابع عایداتی دولت استفاده میکردند، جمع آوری نموده و چگونگی تطبیق آنها در عصر امروز از دید بگذرانم.

میدانم که با ارائه یک بخش کوچک از نظام اقتصادی اسلام (بررسی عواید و مصارف دولت در نظام اقتصادی اسلام) نمیتوان به تمام ابعاد این نظام پی برد، اما سطور ذیل از جمله اهداف ایست که من برای تهیه و ترتیب این سیمینار در ذهن دارم:

✓ آگاهی دادن جوانان و دانشجویان، خاصتاً دانشجویان دانشکده های اقتصاد از اینکه دین عزیز ما اسلام هم دارای نظام اقتصادی خوبی میباشد. و یگانه راه حل مشکلات امروزی دنیا هم چنگ زدن به دین مقدس اسلام و پابندی با اصول و قوانین آن است.

✓ علاقمندی محققین پیرامون تحقیق روی موضوعات و گذشته اقتصاد اسلامی، تا همه اصول پراکنده اقتصاد اسلامی جمع آوری و یکجا شده و همچون کتب منظم اقتصادی یکبار دیگر روی صحنه اقتصاد جهان بیاید.

✓ در نهایت میخواهم این نبشته ها همچون دروازه ورودی برای ادامه تحصیلاتم روی موضوعات اقتصادی اسلام باشد.

از خداوند متعال(ج) میخواهم تا آنچه که از این نبشته ها آرزو دارم، دریافت نمائیم، تا باعث سلامتی و افتخار دنیا و آخرت ما گردد.

فصل اول

1- عواید

1-1 مفهوم مالیات

تا به حال عامترین تعریف که از مالیات شده است؛ گفته شده که "مالیات عبارت از تادیات اجباری اند که دولت آنرا بدون انجام دادن یک خدمت متقابل مستقیم و بر طبق نورمهای معین یا مقررات قانونی از افراد دریافت مینماید". (5:110)

و اما مالیات از دیدگاه نظام اقتصاد اسلامی با کم تفاوت چنین تعریف میگردد: مالیات عبارت از تادیات ایست که مسلمانان آنرا برای کسب رضای رب تعالی بمنظور پیشبرد فعالیت‌های حکومت اسلامی به هدف پیاده شدن نظام خداوندی در روی زمین می پردازند.

فلسفه جعل مالیاتی مالیات ثابت در نظام اقتصاد اسلامی، از یکطرف تامین و رفع نیازمندیهای فردی و جمعی و کاهش تناسب میان وضعیت اقتصادی توانگر (پولدار) و غیر توانگر (فقیر) دانسته شده، و از طرف دیگر تامین نیازهای نیازمندان، تقسیم عادلانه ثروت، برکت و رشد اموال، پاکی روح، تزکیه نفس و بدست آوردن رضایت رب تعالی دانسته شده است. اما در مورد فلسفه جعل مالیاتی مالیات غیر ثابت گفته شده است که این مالیات را خداوند(ج) بمنظور اهرمی در دست دولت اسلامی قرار داده است تا در هنگام استثنایی که مالیات ثابت نتواند از تکاثر فقر جلوگیری کند و یا مشکلات دیگر مالیاتی در سطح کشور رونما گردد، دولت انعطاف پذیری آنرا داشته باشد تا مطابق ضروریات جامعه عواید خود را عیار سازد. مالیات اسلامی دارای آثار اقتصادی، اجتماعی، و معنوی است و اظهار شده که مالیاتهای اسلامی موجبات اخوت و برادری افراد جامعه را فراهم کرده و زمینه برای عمر صالح و اندوختن توشه برای آخرت را فراهم میسازد. (4:130)

2-1 تقسیم بندی مالیات

مالیات اسلامی را مانند هر پدیده دیگر میتوان از دیدگاه های متفاوت تقسیم بندی کرد. که ذیلاً بعضی از این تقسیم بندی ها را از دید میگذرانیم:

تقسیم بندی مالیات از جنبه اثبات آن: 1- اولی 2- ثانوی

مالیات اولی عبارت از مالیات ایست که پرداخت آن در آیات قرآنی و احادیث نبوی (ص) ثابت بوده، و مسلمان در حالت که دولت احتیاج داشته و یا نداشته باشد، وجوباً آنرا پرداخت میکند. که خمس و زکات از انواع آن میباشد. در حالیکه مالیات ثانوی مالیاتی است که ولی امر مسلمین برای رفع نیازها و گشایش تنگناهای اقتصادی جامعه علاوه بر مالیاتهای اولی وضع میکند. (4:130)

تقسیم بندی مالیات از جنبه استقرار آن: 1- مالیات ثابت 2- مالیات غیر ثابت

منظور از مالیات ثابت یا سالانه، مالیاتی است که به هنگام عادی بودن اوضاع و در حالت آرامش اخذ میگردد و شامل خمس، زکات، خراج، جزیه و ارث بلا وارث است؛ در حالی که مالیاتهای غیر ثابت یا فوق العاده مالیاتی است که به هنگام انقلابها، جنگها، وضعیت بحرانی و با تصمیم و نظر حکومت اسلامی گرفته میشود. (4:131)

تقسیم بندی مالیات از جنبه حدود آن: 1- محدود(اجباری) 2- لامحدود(فوق العاده)

مالیات محدود عبارت از همان مالیات ایست که حدود آن در اسلام تعیین بوده و مالیه دهنده و یا مالیه گیرنده نمیتوانند در مقدار و اندازه آن تفاوتی را ایجاد نمایند. مثال خوب مالیات محدود همانا زکات میباشد، چرا که مقدار و اندازه زکات معین -2.5%- بوده، نه مالیه دهنده کمتر از آن پرداخت میتواند و نه هم مالیه گیرنده بیشتر از آنرا درخواست.

اما مالیات لامحدود همان مالیاتیست که مقدار و اندازه آن ثابت نبوده و مالیه دهنده میتواند به هر اندازه که خواسته باشد، آنرا تادیه نماید. که مجموع صدقات و کمک های انفرادی مسلمین به دولت مثال خوب بر آن بوده میتواند.

مالیات محدود، به محدود مالی که عبارتند از مالیات بر نقدینه ، ثروتهای حیوانی (احکام ثلاثه)، ثروتهای نباتی (غلات اربعه)، معادن، ثروتهای دریایی، ثروتهای جنگی، ثروتهای بازرگانی، ثروتهای صناعی (سود صنعتگران)، ثروتهای کشاورزی، ثروتهای زمینی (خمس زمینهای که اهل ذمه از مسلمانان خریداری کرده اند)، گنجینه، مالهای مخلوط به حرام و مالیات محدود سرانه که عبارتند از زکات فطره، جزیه و مالیات بر قربانی (بر کسانی که به حج مشرف میشوند و گاهاً اعمال ممنوعه را مرتکب میشوند) به عنوان منبع دیگر درآمد دولت مورد اشاره قرار گرفته و هرکس به اندازه استفاده که از خدمات دولتی میبرد، باید بهای آن را بپردازد. (4:131)

تقسیم بندی مالیات از جنبه حکمی آن: 1- مالیات فرض 2- مالیات مستحب

مالیات مستحب عبارت است از انفاقها و صدقات و همچنین مجموعه خیرات و مبرات و موقوفاتی که بخش عظیمی از درآمدهای عمومی بیت المال و داراییهای عامه را تشکیل میدهد و در آیات زیادی هم بر آنها تاکید گردیده است. و اما مالیات فرض همان مالیات اجباری است که در آیات و احادیث پرداخت آن امر شده است.

آنچه که در مورد مالیات اسلامی اضافه باید کرد، در سیستم مالیات اسلامی تاکید بر گسترش بیشتر شمول مالیات است نه افزایش نرخ آن. سیاست مالیاتی در بدو امر به منظور افزایش درآمد دولت طرح ریزی میشود تا به دولت امکان دهد نقش خود را در اقتصاد اسلامی که گسترده نیز شده بخوبی انجام دهد؛ بنا بر این در مورد سیاست مالیاتی، وظیفه برابر سازی درآمدها و وظیفه انگیزه بودن آن زیاد مورد تاکید نیست. (4:133)

3-1 انواع مالیات

اول: زکات

زکات لفظاً به معنی پاکی و رشد و نمو است و مفهوم آن در امور مالی این است که از محصولات تولیدی، کشاورزی و دامداری و همچنین از سرمایه نقدی که یک سال راکد باشد و در صورتیکه به اندازه معین برسد، مقدار به صندوق اسلامی برای مصارف تعیین شده پرداخت شود. (4:135)

نصاب و مقدار زکات به اختلاف بعضی از اموال و اصناف آن به نحو آتی فرق میکند:

شمار گوسفندان	مقدار زکات آن
40 – 120	جذعه و یا شنیه از بز
121 – 200	دو گوسفند
201 – 399	سه گوسفند
400	چهار گوسفند

جدول 1 - نصاب گوسفند و بز

شمار شتر	مقدار زکات آن
5 – 9	گوسفند جذعه و یا ثنیه از بز
10 – 14	دو گوسفند
15 – 19	سه گوسفند
20 – 24	چهار گوسفند
25 – 35	بنت مخاض از شتر که سال را پوره کرده و اگر موجود نشود این لبون هم کفایت میکند
36 – 45	بنت لبون که دو سال را پوره کرده
46 – 60	حقه که سه سال را پوره کرده و قابل سواری است و بر ماده شتر ماده بالا شده میتواند
61 – 75	جذعه که چهار سال را پوره کرده
76 – 90	دو بنت لبون
91 – 120	دو حقه
121 – 139	سه بنت لبون
140 – 149	دو حقه و یک بنت لبون
150 – 159	سه حقه
160 – 169	چهار بنت لبون
170 – 179	یک حقه و سه بنت لبون

دو حقه و دو بنت لبون	189 – 180
سه حقه و یک بنت لبون	199 – 190
چهار حقه و یا پنج بنت لبون	200

جدول 2- نصاب شتر

مقدار زکات آن	شمار گاو
تبیع نر که پا به سال دوم گذاشته و اگر تبعیه ماده داد جواز دارد	39 – 30
مسنه ماده که دو ساله و اگر نه بود مسن نر هم جواز دارد	59 – 40
دو تبیع	69 – 60
مسنه تبیع	79 – 70
دو مسنه	89 – 80
سه تبیع	99 – 90
مسنه و دو تبیع	109 – 100
دو مسنه و تبیع	119 – 110
سه مسنه و یا چهار تبیع	120

جدول 3- نصاب گاو و گاومیش

در جداول فوق، هرگاه شمار از این بیشتر شود، همین ضابطه عملی می‌گردد. (4:42) –

(4:45)

زکات به اموال فوق خلاصه نمی‌گردد، بلکه در تمام اموال و دارائی های مسلمین زکات فرض می‌باشد، چه آن اموال در زمان پیامبر(ص) بوده و یا نه. اما قانون آن همان است که باید مال و دارایی به حد نصاب رسیده و هم یکسال از آن سپری شده باشد.

در مورد جمع آوری و توزیع زکات باید گفت که در نظام اقتصاد اسلامی دولت در جمع آوری و مصرف زکات و سایر منابع عایداتی خود آزاد بوده و میتواند با استفاده از هر راه مشروع و حلال به جمع آوری عواید و مصرف خود بپردازد. از اینکه زکات حق لازم و واجب می‌باشد، لهذا دولت میتواند حتی با جنگ آنرا دریافت نماید. البته به این نکته باید توجه کرد که هرگاه در یک جامعه تربیت و رهبری اسلامی پیاده گردد، مردم زکات را به عنوان عبادت و امر خداوند(ج) تلقی کرده و خود آگاهانه و آزاده به پرداخت آن اقدام میکنند. (4:137)

دوم: خمس

خمس به لحاظ مفهومی عبارت است از پرداخت بیست درصد (یک پنجم) مازاد عایدات سالانه و درآمدهایی که از دریاها، معادن، گنج و غنایم و نظایر آن به دست میآید. ادای خمس بر مالکان اموال و ثروتها واجب بوده و عبارت از یک پنجم درآمد بعد از کسر مخارج و هزینه زندگی متوسط و معمولی است و باید در مواردی که قانون معین کرده صرف شود. (4:142)

خمس به موارد که تعلق میگیرد عبارت از اشیائی که به واسطه غواصی به دست میآید، معادن و مال حلال که مخلوط با حرام میباشد. در خصوص ارباح مکاسب -یعنی سود هرگونه کسب و کاری که مکلف انجام میدهد و هر نوع فایده که عایدش میگردد- پس از منها کردن مخارج کسب و مخارج سالیانه صاحب کسب و مخارج فامیل او در هر بخشی که باشد. معادنی که با حرارت نرم و قابل انعطاف میشود. (4:143)

خمس به دو قسمت تقسیم میشود؛ یک قسم آن به نائب امام، یعنی مجتهدی که جامع شرایط فتواست داده میشود و قسمت دیگر سهم سادات نیازمند است. به طوریکه اگر سهم قسم دوم از نیازمندیهای سادات بیشتر باشد آنرا به بیت المال ملحق میکند، همچنان که اگر سهم قسم دوم برای رفع نیازمندی های سادات کفایت نکرد از بیت المال یا از زکات جبران میشود. (4:144)

ملاحظه میشود که به این ترتیب خمس از اصل مال نیست بلکه مربوط به پس انداز است و فشار بر مردم نمیآورد. همچنین چون افراد به نسبت درآمدها و درجه ثروت خود پس اندازهای مختلف دارند، لهذا به میزان ثروت، مالیه دریافت میگردد. یعنی این نوع مالیات بر اساس اصل توانائی پرداخت وضع شده است. خمس باعث تثبیت اوضاع اقتصادی میشود زیرا از یکسو از تشدید تورم به هنگام افزایش تقاضای کُل بر عرضه کُل جلوگیری میکند و از سوی دیگر هنگامیکه عرضه کُل بیش از تقاضای کُل باشد مانع گسترش رکود میگردد. (4:144)

سوم: خراج

یکی دیگر از درآمدهای عمومی، خراج است. خراج در اصطلاح فقهی، مال الاجاره ویژه ای است که حاکم، از طریق اجاره اراضی مفتوح العنوه وصول میکند؛ زیرا، این نوع اراضی ملک همه مسلمانان است و هر کس بخواهد از این زمینها استفاده کند، باید اجاره آنها را به ولی مسلمین بپردازد. یعنی خراج مقداری مالی است که از عین محصول زمین یا قیمت آن گرفته میشود. و در حکم آن مسلمان و غیر مسلمان هیچ فرقی ندارد. (1:239)

معنای خاص و دقیق خراج در زبان فارسی مالیات اراضی است. موضوع خراج، اراضی مزروعی بوده است نه مسکونی، لیکن در فقه معمولاً نظر بر آنست که اگر زمین مزروعی را تبدیل به خانه و ساختمان کنند خراج سابق آنرا همچنان باید بپردازند، ضمناً موضوع خراج مساحت زمین قابل زرع میباشد هر چند بالفعل کشت نشده باشد. میزان خراج تابع ترازی و مقاطعه متصرفان با امام دانسته شده. اگر متصرف زمین نتواند زمین خود را کشت و زراعت کند در این حالت امام (دولت) زمین را از وی گرفته به دیگری میدهد، البته به مزارعت و یا اجازه و یا به کشت و زراعت به پول؛ و مصرف بیت المال بعد از کشت و زراعت و رفع حاصل مصارف خراج موضوعی شده آنچه باقی مانده به صاحب زمین تعلق دارد. (4:147)

در یک تقسیم بندی میتوان خراج را به دو دسته —وظیفه و مقاسمه— دسته بندی کرد. خراج وظیفه بر زمینی گذاشته میشود که مساحت و نوع زراعت آن در نظر گرفته میشود و خراج مقاسمه؛ که در آن یک جزء تولید مانند یک پنچ و یک شش پیش بینی میگردد. و فرق بین هر دو نوع عبارت از این است که در خراج وظیفه واجب چیزی است در ذمه که متعلق به توانائی در بهره کشی از زمین است و یک مرتبه در سال گرفته میشود، اما در خراج مقاسمه وجوب به تولیدات زمین مربوط است نه به توانائی و قدرت بر زراعت آن. (2:50)

چهارم: جزیه

یکی دیگر از منابع درآمد دولت اسلامی، جزیه است؛ جزیه، عبارت است از مالیات است که حاکم اسلامی طبق شرایطی، از اهل کتاب که در جامعه اسلامی زندگی میکنند دریافت میکند و در مقابل، حاکم اسلامی وظیفه دارد که امنیت مالی، حیاتی، ناموسی و... آنها را تامین کند. (1:239)

جزیه از واژه جزا گرفته شده و عبارت است از یک نوع مالیات سرانه که از اهل کتاب که در پناه حکومت اسلامی هستند گرفته میشود، در حقیقت همان گونه که از نامش پیداست جزایی (دستمزدی) است که در برابر حفظ مال و جان و ارض شان از آنان اخذ میشود. (2:48)

جزیه به موجب قرارداد پرداخت میشود، قراردادی که ذمه نام داشت و مسلمانان پس از پیروزی بر دشمن به منظور حمایت و امان دادن با آنها تنظیم میکردند و حکومت اسلامی امنیت آنان را از هر نظر تضمین میکرد و در قبال این ضمانت اهل ذمه نیز مبلغی به بیت المال می پرداختند. شروط وجوب جزیه عقل، بلوغ و ذکور (مرد بودن) است پس بر کودکان، زنان و دیوانگان جزیه نیست؛ همچنان شرط وجوب آن سلامتی از شلی و کوری و پیری است. پس بر ذمت شل و کور و مرد پیر جزیه نیست و بر راهب صومعه نشین جزیه نمیباشد. اگر ذمی مسلمان شود و یا دولت اسلامی از وی حمایت کرده نتواند جزیه ساقط میگردد. (2:49)

مقدار جزیه بر حسب مصلحت و به تشخیص امام تعیین میگردد و جایز است که سرانه باشد و میتواند نسبت به زمینهای که اهل کتاب در اختیار دارند وضع شود. همچنین در خصوص میزان جزیه در یکی از موارد آمده که از طبقه ثروتمند 45 درهم، از طبقه متوسط 25 درهم، از فقرای قادر به کسب و کار 12 درهم و از فقرای که صدقه بر آنها روا بوده و آنان که قدرت کسب و کار نداشته جزیه اخذ نمی شد. ولی باید گفت که مقدار جزیه ثابت نبوده و امام (دولت) مطابق اجتهاد و نظر خود آنرا تعیین و تثبیت میکند. البته وجوب جزیه در آغاز سال و تحصیل آن در اخیر سال میباشد.

پنجم: عشر (عوارض گمرکی)

عشور مالیهء تجارتی است که اهل ذمه و مستأمن تابع مقررات آن اند. در حق ذمی این طور عمل میشود که وی اموال تجارتی خود را از یک شهر به شهر دیگر در قلمرو دولت اسلامی انتقال میدهد که در آن نصف عشر لازم میگردد. (2:52)

و در حق مستأمن گفته میشود که وی غیر مسلمان بوده وارد دارالسلام میگردد و او را دارالسلام امان دهد و او با خود مال تجارتی آورده پس باید عشر آنرا تادیه کند و این یک قاعدهء عمومی است و جواز دارد که کمتر از این مقدار و یا بیش از آن باشد که در این حالت معاملهء به مثل در نظر گرفته میشود، یعنی اگر دولت مستأمن از تاجران دارالسلام وقتی وارد دارالحرب میشوند مالیهء عشری (یک بر ده) و یا کمتر بگیرند باید دولت اسلامی مقابلهء به مثل کرده از رعیت آن دولت همان مقدار را اخذ کنند. مالیه در مال اهل ذمه زمانی واجب میگردد که به حد نصاب زکات برسد. (2:52)

در اسلام عشر به عنوان مالیات در دو مفهوم مختلف به کار رفته است: یکی در زکات محصولات کشاورزی که به اختلاف نحوه شرب زمین، یک دهم یا یک بیستم بود و از مسلمانان گرفته می شد. این مالیات بر اساس نظر بیشتر مذاهب، مالیات بر محصول بود و هر مسلمان که غلات ملکی او به میزان خاصی می رسید باید این مالیات را میپرداخت. دیگری به مبلغی می گفتند که بابت ورود و تجارت در قلمرو اسلامی از بازرگانان غیر مسلمان گرفته میشد و ربطی به جزیه و خراج نداشت. مبلغ آن برای مسلمانان یک چهل و برای اهل ذمه یک بیستم و برای سایرین یک دهم بوده است. (4:149)

ششم: فیه و انفال

فیه در معنی دقیق خود عبارت است از اموالی که از غیر مسلمانان بدون جنگ به تصرف مسلمانان درآمده باشد. پس فیه آن مالی است که بدون جنگ از مشرکین بدست میآید. یعنی اموالی که از غیر مسلمانان بدون جنگ به تصرف مسلمانان درآمده باشد. نوع دوم مانند مفهوم سنتی آن، به مسلمانان حاضر اختصاص ندارد و شامل تمامی مسلمانان اعم از موجودین و آیندگان میشود. (4:150)

در منابع از دو گونه فیه سخن رفته است، فیه عبارت از مالی است که دشمن بران صلح کرده و یا مشرکین بعد از فرار خود بجا می گذراند و یا تبعید میشوند، و جلای وطن میگردند. و به خاطری این مال فیه گفته میشود که باریتعالی این اموال را از کفار گرفته بر اموال اهل اسلام افزوده زیرا خداوند(ج) بندگان را برای عبادت خود آفرید و مال و ثروت آفرید تا برای عبادت از آن استفاده شود و به خاطر کفریکه کافر در پیش گرفته (و با اهل اسلام در جنگ و پیکار است)، خداوند(ج) برای مؤمنان سر و مال او را مباح و جایز گردانیده زیرا وی در عبادت خدا، مال خود را صرف نکرد. (2:56)

انفال در فقه عبارت است از کلیه اموال بی صاحب. در یک مفهوم وسیع یعنی تمامی ثروتهای طبیعی، از قبیل جنگلها و بیشه ها و حتی معادن (بنا به نظری)، و کلیه اراضی آزاد مانند اراضی موات، قله کوهها، قعر دره ها، ساحل دریاها و اموال منقولی که مالک ندارد، مانند ارث بدون وارث چه از مسلمانان و چه از غیر مسلمانان، و اموالی که مالکان آنها آن را به هر دلیلی رها کرده و رفته باشند و کلیه اموال شخصی پادشاهان، سرزمینهای فتح شده و چیزهای بی نظیر و نفیس. این گونه اموال و نظایر آن چیزهایی هستند که طبعاً باید بخشی از حقوق حکومتها محسوب شوند. (4:150)

هفتم: غنیمت

غنیمت همان اسیران، زمین، اموال منقول و همان جنگجویان کفار اند که به اسارت مسلمانان در می آیند و اگر آنها بر کفر خود باقی ماندند امام در باره آنها راه صلح را میتوان در پیش گیرد و به اجتهاد خود عمل کند یا قتل میکند و یا برده میسازد و یا به اخذ مال فدیة میگیرد و یا اسیران را تبادلہ میکند و یا احسان گذاشته رها میکند و فدیة هم نمیگیرد. و اگر اسیر، مسلمان شود قتل او ساقط میگردد و امام در بین برده گرفتن احسان گذاشتن و فدیة اخذ نمودن مختار است. (2:53)

اموال منقول، غنیمت های متعارف و متداول است که بعد از ختم جنگ و یقین گشتن پیروزی مسلمانان قابل تقسیم است و بعد از جمع آوری آن میتوان آنرا در دارالحرب تقسیم و توزیع کرد. و هم جواز دارد تقسیم آن تا بازگشت به دارالسلام معطل گردیده به تأخیر بیفتد. وقتی غازیان اراده تقسیم را کردند، در گام نخست از سلب کشته شدگان کفار آغاز میشود و هر مجاهد غازی سلب مقتول خود را بر میدارد و سلب مقتول عبارت از لباسی است که او را وقایه میکند؛ و یا سلاح جنگی او است که به آن جنگ میکرد، و یا اسبی است که به آن پیکار مینمود. سپس بعد از اعطای سلب به اشخاص مستحق خمس (یک پنجم) از کل غنیمت جدا میگردد و بر مستحقین تقسیم میگردد. بعد از جدا کردن خمس، سهم کسانی داده میشود که لشکر اسلام را همراهی کرده اند، مانند زنان و کودکان و اهل ذمه. برای آنها به اندازه کار و فعالیت شان و کمکی که به مجاهدین کرده از غنیمت سهم داده میشود، اما نباید به سهم و حصه سوارکار و نه هم پیاده برسد. و بعد از جدا کردن خمس و دادن پرچونها باقی مانده غنیمت بر غازیان تقسیم میگردد. برای پیاده یک سهم و برای سوارکار سه سهم داده میشود. و امیر لشکر صلاحیت دارد سهم بعض غازیان را که بر دشمن رنج و عذاب آورده اند فزونی بخشد و یا به اعمالی پرداخته اند که پیروزی را برای مسلمانان آسان ساخته اند و این علاوگی که برای اینها داده میشود. (2:55)

هشتم: سائر واردات بیت المال

از واردات و عواید بیت المال یکی هم اموال بدون صاحب و مالک معین است؛ مثلاً یک مسلمان فوت میکند و وارث معین ندارد. و مالهای غصبی و عاریتی که مالکان آنها شناخته نمیشود و لقطهء که در اغلب حالات مالک آن شناخته نمیشود. و مدرک دیگر عایداتی بیت المال زمینهای دولتی است که خود دولت کشت میکند و یا به اجاره میدهد که حاصل زمین و وجه اجاره به بیت المال تعلق دارد. حضرت عمر بن خطاب(رض) از همین رویه استفاده کرد و به قناعت و ارضای خاطر غازیان در زمینهای عراق که از کسری و خانوادهء او بود پرداخت، مالکان بعضی از این اراضی فرار کردند و یا نابود شدند. امام صلاحیت دارد زمین را به خیر و مصلحت بیت المال کشت و زراعت کند، و یا به نفع بیت المال به اجاره بدهد. از اصل اول عمر بن خطاب(رض) و از دوم عثمان بن عفان(رض) استفاده کردند.

از واردات بیت المال، مالی است که امام در وقت ضرورت از اهل ثروت میگیرد و در رفع نیازمندی های دولت و رعیت خرج و مصرف میکند. وقتی در بیت المال مالی موجود نباشد، مانند مصارف قوای مسلح و رفع نیاز اهل احتیاج و نیازمندان.

املاک و اراضی پادشاهانی که پس از جنگ با مسلمین - در صورتی که با اذن امام صورت گرفته باشد - به دست رزمندگان اسلام می افتد جزو انفال به حساب می آید و اصطلاحاً در فقه از آن به "قطاع الملوك" تعبیر میشود. "صفایا"ی پادشاهان نیز همین حکم را دارا میباشد و آن عبارت است از اشیای قیمتی، گرانبها و پرارزش که معمولاً پادشاهان آنها را برای خود بر میگزینند. تمام اشیا و املاک مذکور، بنا به روایات متعدد، و اتفاق نظر فقها جزو انفال شمرده شده در اختیار امام و حاکم اسلامی قرار داده میشود. (1:240)

و بالاخره صدقات و اوقاف عامه نیز شامل بیت المال شده و دولت اسلامی از آن به گونه که منفعت عامه را بسوی مثبت حرکت دهد، میباشد.

2- مصارف

با اذعان به این مطلب که چیزهای که نیاز انسان را تامین میکند ارزش مصرف دارد، در بعضی متون موجود، هدف از فعالیت اقتصادی و تولید، مصرف دانسته شده است. و تاکید بر آنست که مصرف به گونه در اسلام مورد توجه است که نه رکودی پدید می آورد و نه تورمی را به همراه خواهد داشت. زیرا با فراوانی کالا و فراهم شدن امکان تولید و افزایش سرعت در رشد تولیدات و با عنایت به تشویق اسلام به مصرف و استفاده از نعم الهی جای نگرانی برای کاهش قیمتها نیست. همچنین با دقت نظر عجیب اسلام در مساله مصرف، این گونه توصیف شده است که اسلام مصرف مشروع را به رسمیت شناخته و تعهدی بر آن ایجاد کرده است، بطوری که در اقتصاد اسلامی مصرف بر پایه ایمان به زندگی اسلامی در دنیا و حسابگری در آخرت شکل میگیرد. (4:201)

از عوامل موثر در شکل دادن به سلیقه مصرف کننده در اسلام، مذموم شمردن بخل و احتراز از آن و پسندیده دانستن سخاوت و تمسک به آن است. این موضوع بر مصرف شخصی یا اجتماعی تاثیر مثبت دارد و نظر بر آنست که هرچه پابندی عملی به این ارزشها بیشتر باشد مصرف افزایش خواهد یافت؛ اما این اثر نمیتواند به طور یکنواخت استمرار داشته باشد، زیرا همان طور که احتراز از بخل حد پائینی برای مصرف تعیین میکند دستورات دیگری برای آن حد بالایی را معین خواهند کرد. همچنین در خصوص عامل موثر دیگر بر مصرف از حرمت اکتناز بر مصرف کالاهای اجتماعی قوی تر از مصرف کالاهای شخصی است؛ بنا بر این التزام عملی به حرمت اکتناز مصرف جامعه را افزایش خواهد داد. (4:203)

در بعضی منابع ضمن آنکه ریشه نیازهای طبیعی و واقعی انسان در فطرت دانسته شده، اعتقاد بر آنست که این نیازها چون به لحاظ کمیت اشباع ناپذیرند باید برای تأمین با روش آگاهانه و عقلی توأم شوند و راه حل اساسی این امر در بی نیازی روحی و یا قناعت دانسته شده است. (4:203)

1-2 ضرورت و هدف از مصرف نمودن

در اقتصاد اسلامی بیان شده که در مجامع اسلامی یک مسلمان همچنانکه به خود و خانواده اش رسیدگی میکند در خرید کالاهای مصرفی و نیازمندیهای روزانه و سامان دادن به زندگی خویش همت میگذارد و از فراهم آوردن نیازمندیهای خویشان، دوستان، همسایگان، و مستمندان غفلت نمی‌ورزد-این امر در مصارف دولت نیز همچنین میباشد-. هدف از مصرف در نظام اقتصادی اسلام برآوردن نیازهای شرعی و عقلی است و همچنین برآوردن نیازهای عاطفی و عرفی و ارضا و اطفای صحیح تمام نیازهای فرد و اجتماع. ارضای نیازهای مشروع و معقول امکان حرکت فرد را بسوی تکامل روحی و الهی فراهم میکند. (4:201)

همچنانکه در سایر نظامهای اقتصادی مطلوبیت هدف مصرف را میسازد، در اسلام هم چنین است. مفهوم مطلوبیت در متون اقتصاد اسلامی رضایتی است که از هر عمل مشروع و معقول به دست می‌آید و مفهوم مطلوبیت عبارت است از رضای خاطر حاصل از هر عمل که موجبات رضای خدا را فراهم آورد. از این رو چون هر عمل صالحی موجب رضای خدا میگردد برای مسلمانان مطلوبیت دارد. و دولت اسلامی هم مسئول است تا برای انجام این هدف مصرف نماید. رضایت خاطر افراد و اجتماع مستقل نیست و یک مبنای اجتماعی دارد که یک فرد مسلمان به آن پابند است. به همین علت است که استدلال شده که در سیستم اقتصاد اسلامی نمیتوان رفتار مصرف کننده مسلمان را بدون رابطه با رفاه کلی همان جامعه مورد تحلیل قرار داد و به زبان اقتصادی باید گفت توابع مطلوبیت مصرف افراد چنین جامعه ای را نمیتوان مستقل از یکدیگر فرض نمود. همچنین در جستجوی یک اصل موضوع، وجود رابطه حب میان کالاها و خدمات مختلف یا میان محبوبهای انسان که کمال آور هستند و خود انسان که محب این کمالات است قابل انتخاب تشخیص داده شده است به نحوی که به موجب آن انسان از میان کالاها و خدمات مختلف با توجه به محدودیتهای خود به نحوی انتخاب میکند که محبت آنها را به حداکثر برساند. (4:204)

2-2 تقسیم بندی مصارف در نظام اقتصاد اسلامی

مصارف را نیز مانند عواید میتوان از دیدگاه های متفاوت به بخش های مختلف تقسیم نمود، که ذیلاً بعضی از این تقسیم بندی ها را از دید میگذرانیم:

تقسیم بندی مصارف از جنبه تأثیرات آن در جامعه: 1- مصرف صادق 2- مصرف کاذب

مصرف کاذب مصرف است که به نحوی موجب سلب حیات و اضرار به قوای نیازمند و یا موجب ضرر و فساد و اسراف در جامعه خواهد شد. در حالیکه مصرف صادق به نحوی موجب حفظ و استمرار حیات و یا موجب کسب و قوت و تعالی انسان میگردد. (4:202)

تقسیم مصارف از جنبه حکم آن: 1- مصرف جایز 2- مصرف واجب 3- مصرف حرام

مصرف جایز عبارت از همان مصرفیست که مصرف کننده در آن آزاد بوده و میتواند تصمیم بگیرد که آیا مصرف نماید و یا نه. اما مصرف واجب عبارت از مصرفیست که مصرف کننده در مصرف نمودن آن آزادی ندارد، و باید مصرف را انجام دهد. در حالیکه مصرف حرام کاملاً عکس مصرف واجب میباشد.

تقسیم بندی مصارف بر اساس انطباق با موازین عقلی: 1- عقلایی 2- غیر عقلایی

مصرف عقلایی عبارت از مصرف است که هم لازم و ضروری باشد و هم به روش صحیحی انجام پذیرد؛ و اما مصرف غیر عقلایی عبارت از مصرف است که غیر مجاز یا نابجا باشد و یا به روش ناصحیحی صورت گیرد. ضروری یا غیر ضروری بودن مصرف در مرحله اول به موازین شرعی و در مرحله دوم به عرف جامعه اسلامی مربوط است. صحیح یا ناصحیح بودن روش هم به موازین شرعی و عرفی بستگی دارد. (4:202)

3-2 مقایسه مصارف در نظام اقتصاد اسلامی و سایر نظامها

تحت این عنوان مصرف نمودن از دید سه نظام اقتصادی - کپیتالیستی، سوسیالیستی و اسلامی- را بگونه مختصر از نظر خواهیم گذراند.

نظام سرمایه داری یا کپیتالیستی نظام تولیدی ایست که تمرکز آن بالای چگونگی تولید بوده، و هر گونه دخالتی دولت را در امر تولید، توزیع و یا مصرف مردود می‌شمارد. یعنی هیچگونه محدودیت را در امر مصرف بالای مصرف کنندگان وضع نمی‌کند. در نظام سوسیالیستی که میتوان آنرا نظام توزیعی خطاب کرد، تمرکز آن بالای توزیع یکسان عاید می‌باشد، و بعد از بدست آوردن عایدات، مصرف کنندگان میتوانند از منابع دست داشته خود هرگونه استفاده نمایند، و در این نظام نیز هیچگونه محدودیتهای در امر مصرف دیده نمیشود. اما در نظام اقتصادی اسلام که ترکیب از نظام تولیدی و توزیعی میباشد، بالای مصرف کنندگان یک سلسه محدودیتهای را وضع نموده تا سبب لجام گسیختگی جامعه نگردد.

محدودیتهای را که نظام اقتصاد اسلامی وضع نموده شامل خودداری از مصرف کالاهای حرام، محدودیت زمانی مصرف کالاهای (مثل باطل بودن نماز با لباس تهیه شده از مردار)، محدودیت مکانی، محدودیت زمانی و مکانی (مثل حرام بودن لباس ابریشمی برای مرد در زمان غیر جنگ)، محدودیت ناشی از قرار گرفتن در موقعیتهای خاص، محدودیت جنسیت (مثل حرام بودن استفاده از کلاه و لباس ابریشمی برای مردان)، محدودیت قصدی (مثل ذبح حیوانات)، محدودیت سیاسی (مثل حرام شدن مصرف بعضی از کالاهای خارجی از آن جهت که موجب تسلط کشورهای تولید کننده آنها بر اوضاع اقتصادی مسلمین میشود) و محدودیت ضرری و حرجی (مثل مصرف کالاهای که موجب ضرر دیگران میشود) است. (4:205)

از مصرف کننده عقلانی هم بحثهای در متون موجود به عمل آمده است، از نظر عقلی رفتار مصرفی آن است که مصرف کننده را بهتر به هدفش برساند و متیقن واجد عقلانی ترین رفتار مصرفی شناخته شده اند؛ برای مثال مصرف کننده مسلمان با درآمد ثابتی که دارد نسبت به غیر مسلمان مصرفی کمتری دارد، زیرا:

- لذتهای زودگذر را فانی میداند،
- دنبال مصارف که هوی و هوس را تامین میکند نیست،
- از دل بستن به آرزوهای دور و دراز پرهیز میکند،
- میانه رو در مصرف است و افراط و تفریط نمیکند،
- الگوی مصرفی دنیا طلبان را ندارد و حتی از آن گریزان است،
- از مصرف محرمات می پرهیزد و زهد پیشه میکند،
- قانع است،
- برای مصرف خود موجب آزار دیگران نمیشود،
- دنبال مصرف ریائی نیست،
- بر فقر صابر است،
- در هنگام تنگدستی در مصرف شکیبائی دارد، (4:206)

خیرخواهی مصرف کننده موجب میشود که به دستورات تشویقی اسلام در باب مصرف، بیشتر عمل شود و برای مثال مصرف اجتماعی مصرف کننده را افزایش دهد، در حالیکه مصرف عملی کالای مورد تقاضا از طرف فرد خیر به دیگری واگذار میگردد، از عوامل موثر بر تقاضاست. بحث متقابلی هم مطرح است و آن اینکه خست و بخل ورزی افراد مانع خیرخواهی دیگران شود و سبب کاهش تقاضا و تمامی آثار ناشی از افزایش تقاضا شود. همچنین ضرر داشتن مصرف یک کالا ممکن است موجب کاهش تقاضا برای آن شود؛ به عبارت دیگر مصرف کالاها با قاعده (لاضرار) که میگوید با افزایش ضرر به دیگران مقدار مصرف کالا کم میشود، ارتباط دارد. از عوامل موثر دیگر تواضع است که موجب میشود خط تقاضای قیمت شکسته شود. همچنین ساده زیستی و متکی نبودن مصرف به درآمد هم به عنوان عوامل موثر بر تقاضا یاد شده است. التزام فرد به میانه روی در مصرف تاثیر مهمی در مصرف دارد و موجب کاهش تقاضا برای کالاهای تشریفاتی و لوکس میشود. اصل کفاف و عفاف نیز از عوامل موثر بر تقاضا محسوب گردیده است. (4:208)

2-4 راه های مصارفاتی دولتهای اسلامی

همانگونه که دولتهای اسلامی نمیتواند از راه های غیر مشروع و غیر مجاز عواید داشته باشد، به همان ترتیب مصارف دولت نیز باید در راه های مشروع و برای رسیدن به حفظ عدالت سرتاسری و بلند رفتن سطح زندگی مصرف شده و سبب نزدیک شدن انسان به خداوند متعال گردد.

در نظام اقتصاد اسلامی دولت ها نمی توانند تمام وجوه در دست داشته خود را در هر بخش که خواسته باشد به مصرف برسانند، بلکه برای هر گونه مصارف، منابع عایداتی آن مشخص شده است. یا به عباره دیگر در نظام های اقتصادی امروزه تمام عواید دولت ها از هر مدرک که باشد در یکجا جمع شده و بعداً از مبالغ مجموعی جمع آوری شده پلان مصارف خویش را تهیه می نمایند. اما در اسلام مثلاً نمیتوانیم تا از مبالغ بدست آمده زکات مسجد اعمار نمائیم زیرا برای احیای مسجد، منابع دیگری وجود دارد.

اگرچه قبلاً تحت عنوان منابع عایداتی، با شرح هر منبع ساحات مصارفاتی آنها را هم تا حدی بیان نمودیم ولی تحت این عنوان میخواهم تا خاصاً بالای مصارف دولتهای اسلامی تمرکز نمایم.

این مباحث بیانگر آنست که عوامل موثر در انتخاب مصرف اعم از آنکه اجتماعی یا فردی باشد بسیار است، از جمله این معنی که قضاوت ناشی از مقایسه سودمندی مصرف فعلی و مصرف آتی از عوامل موثر بر انتخاب نوع مصرف اجتماعی است. همچنین نوع بینش افراد میتواند بر نوع رفتار مصرفی آنان موثر باشد؛ برای مثال گفته شده که بینش فردگرایی که به موجب آن جامعه صحنه رقابتهای اقتصادی برای سبقت گرفتن از یکدیگر است متفاوت از بینش جمع گرایی و این دو بینش در مقایسه با بینش الهی که در آن هم فرد اصالت دارد و با او مانند اشیاء مادی عمل نمیشود و هم جامعه وجود و آثاری مستقل دارد، بطور متفاوت بر رفتار مصرفی اثر میگذارد. (4:207)

بطور خلاصه میتوان مصارف و راههای هزینه مصارف نظام اقتصاد اسلامی توسط یک جدول را چنین دسته بندی کرد:

انواع عواید	جاده های مصارفاتی
زکات	بیمه کسر درآمد، بیمه در راه ماندگان، بیمه باز خرید بردگان، بیمه ورشکستگان، بیمه باز ماندگان، شوهر ماندگان، باز نشستگان، خدمات درمانی، ازدواج، جهیزیه، تحصیل، آتش سوزی، زلزله، دزدی و غارت، سیل و آفات، بیکاری، مسکن، مخارج تشکیل ارتش، مبارزه با فقر اقتصادی، مسائل عمرانی، بیت المال ...
خمس	رهبر حکومت اسلامی، نیازمندان و خویشان حضرت پیامبر (ص)، مجتهد که جامع شرایط فتواست، بیت المال
خراج	تقویت سپاه، تشکیلات قضائی، حفاظت مرزهای کشور اسلامی، بنا اماکن عامه، پل سازی، راه سازی، نیازمندیهای جامعه، بیت المال
جزیه	مصارف نگهبانان و پاسداران، امنیت، مصالح و منافع عمومی، بیت المال
عشر	بیت المال
غنیمت	بیت المال
انفال	بیت المال
فیء	خاندان پیامبر (ص)، لشکر اسلامی، بیت المال

جدول 4: جاده های مصارفاتی هر یک از انواع عواید

انواع عواید	جاده های مصارفاتی
تامین امنیت و مصارف لشکر مسلمین	فیء، جزیه و خراج
تامین منافع عمومی	جزیه و خراج
تشکیلات قضائی (قوه قضایی)	خراج
مصارف رهبر حکومت اسلامی (قوه اجرائیه)	خمس
مصارف مجتهدین (قوه مقننه)	خمس
مصارف ناتوان های اهل سادات	فیء و انفال
مصارف ناتوان های سایر مردم	خراج و زکات

جدول 5: تأمینات عوایدی برای هر سکتور

فصل دوم

چگونگی تطبیق سیستم مالیاتی اقتصاد اسلامی در عصر امروز

1- ضرورت تطبیق

آنچنانکه گفته آمدیم، امروزه مشکلات زیادی دامنگیر دولتها خصوصاً در امر جمع آوری و مصرف منابع مالی ایشان میباشد. از یکطرف کشورهای فقیر فقیرتر شده، زیر و از طرف دیگر کشورهای صنعتی در رگ رگ این کشورها ریشه دوانده و از خون این کشورها تغذیه مینمایند. و یکی از وسایل در دست داشته آنها هم نظام سرماییداری میباشد. که توسط این نظام راه را بروی خود باز نموده و به کشورهای عقب مانده عجوم میبرند.

امروز اگر یکبار دیگر بتوانیم تا نظام اقتصاد اسلامی را دوباره روی کار بیاوریم، دیگر راه های دست درازی به این خاکها را نیز قطع خواهیم نمود. تحت این عنوان بعضی از مشکلات را امروز دنیا — خصوصاً کشورهای عقب مانده — دارند، تنها نام گرفته و از آنها میگذریم.

— استقراض خارجی؛ وسیله قوی بدست کشورهای صنعتی تا بوسیله آن کشورهای مدیون را زیر بار قروض نگهداشته، و از طرف دیگر سود آن که سالانه به میلیونها دالر میرسد، کمر اقتصاد این کشورها را میشکند، که ده ها کشوری را دیده ایم که با بحران بدهی ها مواجه شده اند. (3:156-3:149)

— استفاده از واژه جهانی شدن؛ و تبدیل شدن کشورهای عقب مانده به مارکیتهای فروش اجناس کشورهای صنعتی.¹

— فرار مالیاتی؛ یکی دیگر از مشکلات گریز مردم از تادیه مالیات به دولت میباشد. که عواید دولتها را متاثر میسازد.

ده ها مشکل دیگر از این قبیل دنیا را مجبور به برگشت به نظام اقتصاد اسلامی و استفاده از سیستم مالیاتی اسلامی میسازد.

¹ برای معلومات بیشتر به کتاب مسائل سیاسی-اقتصادی جهان سوم، نوشته دکتر احمد ساعی مراجعه شود.

2- امکانات و ضروریات فراروی ما

تحت عناوین گذشته، ما روی موضوعات اقتصادی خاصاً جمع آوری و مصرف دولت های اسلامی در عصور گذشته بیشتر تمرکز نموده و آیات و احادیث نبوی را ذکر نمودیم. واضح است که با گذشت زمان همچنانکه سطح تکنالوژی و پیشرفت بلندتر میگردد، همانگونه سطح زندگی، فرهنگ، اخلاقیات و ده ها تغییرات دیگر در زندگی اجتماعی انسانها پدید می آید.

سوال اینجاست که آیا دولتها اسلامی آنچنانکه در عصور گذشته توانسته بودند تمام عواید خویش را از مدارک آن جمع آوری و برای بلند بردن سطح زندگی و دانش مردم و رعیت خویش بمصرف برساند، امروز هم با وجود این تکنالوژی که در دست مردم قرار گرفته و با استفاده از آن میتوانند از تادیه مالیات فرار نمایند، میتوانند آنچنان موفقانه عمل نمایند یا خیر؟

ارایه جواب به این سوال موضوع اصلی این سیمینار را تشکیل داده است. تحت این عنوان ما به جنبه های مختلف بحث خواهیم پرداخت تا جواب دقیقتری را به این سوال پیدا نمائیم.

اولاً زمانیکه ما از دولت اسلامی نام میبریم، منظور آن دولتهای نیست که اسماً مسلمان بوده، بالای دروازه های آن کلم مقدس اسلامی و آیات قرآنی نوشته شده و خود به غیر آن چنگ زده باشد، بلکه هدف از دولتهای اسلامی که در این متون از آن نامبرده شده است، همانا دولتهای میبایشد که دولتمداران و عامه مردم آن مسلمان بوده و قرآن را در عمل خویش پیاده نموده باشند.

ثانیاً برای اینکه قوانین ذکر شده عواید و مصارف دولت اسلامی را در جامعه وضع نمائیم، ضرورت است که دارای نظام اقتصاد اسلامی باشیم، که این هم به سادگی بدست آورده نمیشود. به نظر من برای اینکه نظام اقتصاد اسلامی را امروز در کشورهای اسلامی پیاده نمائیم ضرورت به داشتن سه فکتور ذیل میبایسیم:

1. مردم مسلمان و مومن حقیقی
2. داشتن سایر نظامها به گونه اسلامی
3. علمای اقتصادی اسلامی

این سه فکتور همچون زنجیر به هم پیوست شده ایست که نظام اقتصاد اسلامی را محکم بسته، اگر یکی از اینها از هم بپاشد، نظام اقتصاد اسلامی در عصر ما به خطر جدی مواجه میشود.

همانگونه که مطالعه نمودیم، اقتصاد اسلامی متکی به اخلاق و ایمان اشخاص وابسته بوده، ایمان قوی مسلمان را وادار میکند تا بخاطر کسب رضای پروردگارش مالیات را خود به دولت بسپارد، و یا این ایمان است که مسلمان را از مصارف ممنوعه چه در محوطه کنترل دولت باشد و یا نباشد جلوگیری میکند. و از اسراف و تبصیر انسان را به دور نگه میدارد.

نظام اقتصادی با سایر نظامهای حاکم بر یک کشور رابطه تنگاتنگ را دارا میباشد، نظام اقتصادی محرکه نظامهای دیگر و نظامهای دیگر هم محرک نظام اقتصادی میباشد. ولو اگر نظام اقتصادی خود نظام اسلامی معرفی نمائیم ولی سایر نظامهای حاکمه نظامهای غیر اسلامی باشد، نظام اقتصادی اسلامی را هم به شکست مواجه میسازد. مثلاً نظام سیاسی حاکمه اگر نظام دیموکراسی بوده و هر رای پنجاه جمع یک بتواند هر قانون را به یک کشور بسازد، در اینصورت ممکن است که قوانین نیز ساخته شود که با روحیه اسلامی اقتصادی سازگار نباشد. مانند قوانین بانکداری غیر اسلامی در کشورهای مسلمان امروزه.

سالهاست که نظام اقتصاد اسلامی در دنیا تطبیق نمیشود، بنا بر آن اقتصاد دانان اسلامی نتوانسته اند تا قوانین درست تطبیقی که امروز مروج بوده ولی سالهای پیش از آن خبری نبود را وضع نمایند. که این یکی از مشکلات جدی دامنگیر عصر ما میباشد. مثلاً اقتصاد الکترونیکی یا اقتصاد انترنتی امروز جهان را پوشانیده است، ولی سالها قبل از آن اثری نبود، بنا بر آن قوانین خاص اقتصادی الکترونیکی اسلامی وجود ندارد.

بنا بر گفته های فوق اگر یک جامعه میخواهد تا از مزایای جمع آوری مالیات و مصارف اسلامی آن در عصر امروز مستفید گردند، لازم است تا با تعالیم اسلامی سطح دانش اسلامی مردم را بلند برده تا آن مردم از یکطرف وظایف و مسئولیتهای انفرادی خویش را دانسته و به آن پابندی نمایند و از طرف دیگر بتوانند یک دولت اسلامی درست را به وجود بیاورند، در

اینصورت دولت به ایجاد نظامهای اسلامی دست زده و قوانین اقتصادی اسلامی را برای استفاده در عصر امروز بمیان بیاورد.

بر علاوه اینکه امروز نه تنها جمع آوری و مصرف وجوه دولتهای اسلامی نظر به قرنهای قبل مشکل نیست، بلکه آسانتر هم گردیده است، چرا که امروزه وسایل و ابزار پیشرفته الکترونیکی به دسترس انسانها قرار گرفته است، نرم افزارهای ساده برای سنجش زکات و دیگر مالیات بشکل رایگان در تارنماهای اینترنتی عرضه میشود، دیگر ضرورت نیست که برای سنجش زکات مال به نزد علما و کارمندان دولتی رفته تا مقدار زکات را برای ما سنجش نماید.

سهولتهای دیگری که به دسترس انسانهای قرن حاضر قرار گرفته، در حالیکه سالهای قبل مروج نبود، همانا انتقال پول از حسابات شخصی به حسابات دولتی میباشد، در اینصورت مسلمانان ضرورت ندارند تا مبالغ پول نقده را در خریطه ها گرفته و به مامورین دولت برسانند بلکه تنها با چند کلیک نمودن روی صفحات اینترنتی میتوان پولهای زیادی را به خزانه دولت انتقال داده و رضایت پروردگار متعال را بدست بیاوریم.

ده ها سهولتهای دیگری که امروزه یکی پی دیگری می آیند، همه راه ما را برای رسیدن به استفاده از میتود جمع آوری و مصرف دولتهای اسلامی به شیوه اسلامی و شرعی آن بازتر و فراغتر و مساعدتر میسازد. بنا بر آن امروز تنها چیزیکه ضرورت داریم اینست که اراده نموده و به اصل خویش برگردیم، اصول شرعی و اسلامی را یکایک در عمل پیاده نموده تا به رفاه اقتصادی (صاحب دنیا) و صاحب آخرت گردیم.

نتیجه گیری و پیشنهادات

1. از لابلای بحث ها دانسته شد که در اسلام نظام مکمل اقتصادی وجود دارد.
2. یکی از بحثهای مهم در نظام اقتصاد اسلامی طرز جمع آوری و مصرف دولت میباشد، که هر کدام واضحاً در این سیمینار پیگیری گردید.
3. امروزه یک سلسله مشکلات در مقابل تطبیق نظام اقتصاد اسلامی قرار گرفته است، که در صورت موجودیت آنها نمیتوانیم نظام اقتصاد اسلامی را در یک جامعه جامه عملی بپوشانیم.
4. مسئولیت استادان گرامی اینست تا در پهلوی سایر بحث ها روی موضوعات اقتصادی، به مسایل یکبار از عینک اقتصاد اسلامی هم نظر بیندازند.
5. وظیفه دانشجویان و جوانان، خاصتاً دانشجویان دانشکده های اقتصاد اینست تا در موضوعات اقتصاد اسلامی تحقیق و بررسی نموده و به داشته های خویش ارزش قایل شده و خود را از بحران هویت نجات دهیم.
6. جامعه سازی پایه و اساس نظام سازیست، و خود سازی اساس جامعه سازی.
7. اقتصاد اسلامی به تنهایی هیچگاهی کارا بوده نمیتواند، پس برای تغییر تمام نظام های حاکمه بر یک کشور باید کمر بست.

منابع

1. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (زمستان 1389) مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ و صحافی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ایران
2. زیدان، عبدالکریم، (1386)، نظام اقتصادی اسلام، ترجمه عبدالواحد نهضت فراهی؛ موسسه انتشار خاور، کابل
3. ساعی، احمد، (بهار 1387)، مسائل سیاسی-اقتصادی جهان سوم، نشر کارور چاپ نهم، ایران
4. سبحانی، حسن، (1380)، دغدغه ها و چشم اندازهای اقتصاد اسلامی؛ نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ ایران
5. عارف؛ عبدالقیوم (1389) اقتصاد عامه، کابل

پایان

برای بدست آوردن سافت این سیمینار به آدرسهای ذیل مراجعه نمایید:

Web blog: <http://www.siyerniaz.blogspot.com>

Email address: siyer.niaz@yahoo.com